

جستاری در باب "منار"

محمد مهدی حیدری*

کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۲/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۶)

چکیده:

منار یکی از عناصر کالبدی ویژه در بناهای مذهبی اسلامی است که پیشینه‌ای کهن در معماری ایران قبل از اسلام داشته است. در خصوص ریشه شکل‌گیری منار نظرات مختلفی مطرح شده است. در این پژوهش زیگورات، یکی از بناهای شاخص تمدن بین‌النهرین و یکی از بناهای مذهبی عمده در تاریخ تمدن، سرمنشاء و نمونه نخستین منار امروزی به شمار رفته است. این عنصر در طی تاریخ و در پی تغییر درک انسان از مفهوم دین و همچنین در ترکیب با الگوهای معماری سرزمین‌های مختلف، اشکالی مختلف یافته و با اهدافی متفاوت مورد استفاده قرار گرفته است. در معماری اسلامی نیز استفاده از عنصر منار اهمیتی جدی یافته است تا جایی که این عنصر در کنار گنبد و سردر، به عنوان مهم‌ترین و معمول‌ترین نشانه‌های شهری جهت معرفی مسجد و مرکز شهر اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این جستار تلاش شده است به بررسی کلی پیشینه و روند تحول عنصر منار در طول تاریخ معماری پرداخته شود. همچنین سیر تحول جایگاه منار از خارج از محوطه مسجد به درون آن و روند بدل شدن آن از بنایی حاشیه‌ای در کنار مسجد تا عنصری کلیدی و پایه‌ای از جنبه‌های مختلف نمادین، هندسی، سازه‌ای، شهری و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی:

منار، میل، بنای مذهبی، زیگورات، نشانه شهری، مسجد.

مقدمه

جنبه‌های مختلف این عنصر شامل تاریخچه، فرم، عملکرد، جایگاه در بنا و ... پرداخته شود. امید است که در آینده هر یک از این مباحث موضوع پژوهشی عمیق و کامل قرار گیرد. بخش‌های این پژوهش عبارتند از مفهوم عمومی منار، تاریخچه شکل‌گیری منار، تطور فرم منار، عملکردها و جایگاه منار در بنا.

منار به عنوان یکی از عناصر گونه‌ای معماری ایرانی-اسلامی شناخته می‌شود که چه از منظر وجود یا عدم وجود و چه از منظر تعداد و شکل و موقعیت قرارگیری، در مواردی شناسه و شاخص دسته‌بندی سبکی بناها قرار می‌گیرد. منار به همراه گنبد، سردر، ایوان، بادگیر و ... عناصر کالبدی ویژه آثار معماری تاریخی ایران می‌باشند. در این پژوهش تلاش شده است تا به بررسی اجمالی

۲- پیشینه تاریخی منار

برای یافتن پیشینه منار و یافتن حلقه‌های اتصال آن به گذشته، لازم است که در خلاف جهت تاریخ حرکت نموده و به بررسی نمونه‌های کهن این عنصر پرداخته شود. کیانی در خصوص پیشینه منار چنین نگاشته است: "اگر چه معلوم نشده است که قدیمی‌ترین مناره در ایران در کدامیک از بناهای مذهبی ساخته شده، ولی منار مسجد جامع سمنان و دامغان را می‌توان از قدیمی‌ترین مناره‌های ایران دانست" (کیانی، ۱۳۸۳، ۲۱). همچنین ایشان بر این نکته تاکید دارد که قبل از اسلام منار نقش راهنما داشته و گاهی معرف آتشکده و آتش‌گاه‌های بزرگ بوده و به آن میل می‌گفتند. البته باید توجه داشت که عمده‌ی میل-منارهای ایران پیش از اسلام نیز نقش نمادین مذهبی داشته‌اند و صرفاً به عنوان راهنما مورد استفاده قرار نگرفته‌اند (در این خصوص در بخش‌های بعدی بحث بیشتری ارائه شده است). کیانی در ادامه، قدیمی‌ترین نمونه‌های منار را میل‌های ایران قبل از اسلام (مانند میل فیروزآباد و نورآباد ممسنی) و منارهای مساجد دمشق و سامره می‌داند.

به تعبیری می‌توان گفت که منار به عنوان نشانه‌ای از عملکرد و مفهوم ویژه مذهبی و آیینی ریشه در ادوار پیش از اسلام داشته است که در قرون اول اسلامی با مفاهیم این دین آسمانی ترکیب شده و اوج یافته است. به این ترتیب نخستین حلقه واسط بین منار معماری اسلامی و دوره‌های کهن، در نخستین قرون قبل از اسلام (قرون ۲ تا ۶ میلادی) و در محدوده ایران، سوریه و عراق فعلی مشاهده می‌شود.

به این ترتیب با این فرض دو سوال دیگر قابل طرح است:

- ریشه این بناهای غیرمتعارف و عظیم در ایران باستان و یا عراق و سوریه اوایل قرون اسلامی از کجاست؟
 - علت تمرکز این بناها در این محدوده چیست؟
- بدون شک مهم‌ترین ویژگی جغرافیایی مشترک این نمونه‌ها، مجاورت با محدوده تمدن کهن بین‌النهرین و احتمال تأثیرپذیری از

۱- مفهوم عمومی منار

منار به مفهوم امروزی و متعارف آن بنایی است مرتفع با پلان عمدتاً مدور. این عنصر که در میان مردم امروز به عنوان مأذنه، یکی از نمادهای معرف بناهای مذهبی شناخته می‌شود، از دیرباز در معماری و شهرسازی ایران وجود داشته و بخش مهمی از خاطره جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد. در خصوص این عنصر مباحث مختلف و بعضاً مغایری از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان عرصه معماری ارائه شده است.

استاد پیرنیا منار را در ریشه به عنوان عامل راهنما در کنار شاه‌راه‌ها و مسیرهای بیابانی و یا جنگلی برشمرده است که در دوره‌های بعد به مقبره‌ی بانی آن یا بزرگان تبدیل شده و یا در پی واقعه‌ای خوب یا بد، عملکردی جدید یافته است (پیرنیا، ۱۳۸۳). کیانی نیز مناره یا منار را به معنای جای نور و بنایی بلند و کشیده دانسته است که عموماً در کنار بناهای مذهبی مانند مدارس، مساجد و مقبره‌ها ساخته می‌شدند (کیانی، ۱۳۸۳، ۲۰-۲۱).

از دیگر کسانی که در این زمینه به مطالعات وسیعی پرداخته است پروفیسور رابرت هیلن براند است. وی با ذکر این نکته که "ارتباطی بین منار و عملکرد آن برای گفتن اذان وجود ندارد" (هیلن براند، ۱۳۸۶، ۱۶۹)، سه رهیافت در خصوص تحلیل ریشه منار ارائه می‌نماید که عبارتند از ۱- بررسی وضعیت مناره‌های نخستین (ساخته شده در حدود سال ۴۵ هجری) ۲- ریشه‌یابی لغوی کلمه منار و ۳- مورفولوژی منارهای اولیه. به این ترتیب ایشان گزینه‌های مختلفی را در خصوص ریشه شکل‌گیری منار ذکر می‌نماید که برخی از آنها عبارتند از فانوس دریایی اسکندریه، برج ناقوس کلیساها، ستون‌های راهنمایی جاده‌ها و ... به هر ترتیب کتاب معماری اسلامی نوشته پروفیسور رابرت هیلن براند یکی از بهترین و جامع‌ترین منابع در خصوص شناسایی مصادیق و تحلیل فرمی و عملکردی این عنصر معماری می‌باشد (هیلن براند، ۱۳۸۶، ۲۱۳-۱۶۹)

و محلی ویژه به نام تمنوس برای خدا در نظر گرفته شد که با فرمی هندسی و بسیار پر عظمت، خود را از سایر بخش‌های شهر جدا می‌نمود (موریس، ۱۳۷۴). در این میان مهم‌ترین بنای مذهبی شهر اولیه بین‌النهرین، "زیگورات" است که با فرمی پلکانی به کوهی عظیم می‌ماند.

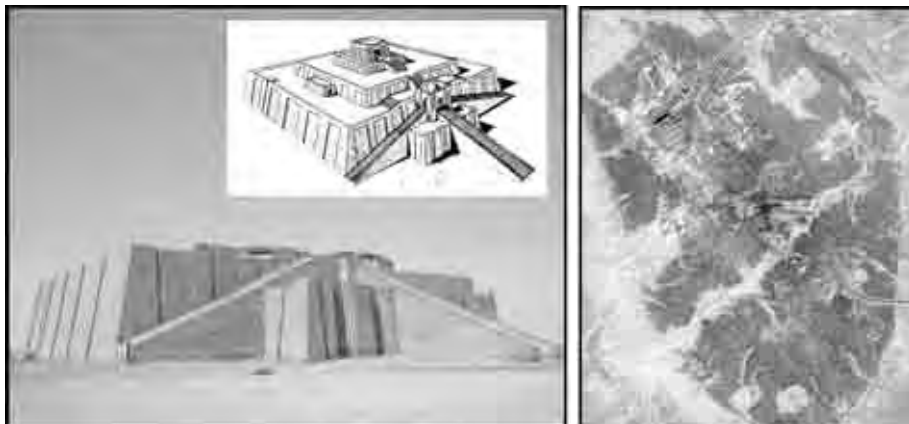
یکی از نظریات جاری در زمینه ریشه فرمی زیگورات، بر این نکته استوار است که با توجه به تصور و تداعی استعلایی انسان از خدا، یکی از ویژگی‌های در نظر گرفته شده برای خدایان کهن، دور از دسترس بودن مکان آنان است. به این ترتیب مامن و مسکن خدایان متعدد این دوره نیز بر فراز کوه‌های بلند و یا در میانه‌ی دریاها دانسته می‌شده است^۲. به این ترتیب، به دلیل شرایط طبیعی غیرکوهستانی بین‌النهرین، کوه‌های مصنوعی به عنوان محل استقرار خدایان ساخته شدند و به تدریج به صورت زیگورات‌های اولیه در آمدند. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های این زیگورات‌های کهن، زیگورات اورنامو در شهر اور است. این بنا شامل سه سکوی مستطیلی و مقصوره‌ای در بالای آن بوده است که از طریق سه پلکان مستقیم در دسترس قرار می‌گرفته است.

۳- در دوره‌های بعد، ادراک انسان از خدا مفهومی قدسی تر و دست‌نیافتنی‌تر یافت. به همین دلیل دستیابی به مکان تصور شده برای خدا از طریق محوری مستقیم نیز قابل پذیرش نبود. تبلور این مفهوم در الگوی معماری معابد و زیگورات‌ها در دسترسی به مقصوره یا قدس‌الاقداس^۲ از طریق مسیرهای غیر مستقیم و مارپیچی قابل مشاهده است. نمونه شاخص الگوی دسترسی غیر مستقیم و تغییر جهت در مسیر دسترسی به مقصوره را می‌توان در زیگورات چغازنبیل از دوره ایلامی در نزدیکی شوش مشاهده نمود. به عبارت دیگر به منظور حفظ حرمت صاحب معبد، کلیه‌ی مسیرهای دسترسی به مقصوره، به صورت غیر مستقیم و با پیچ و خم‌های متعدد همراه بوده است (زارعی، ۱۳۸۳، ۶۳). به علاوه، تمایل به دور از دسترس بودن مقصوره در قالب افزایش ارتفاع زیگورات نیز بروز می‌نماید و تعداد طبقات آن نسبت به زیگورات اورنامو از سه به ۷ طبقه افزایش می‌یابد.

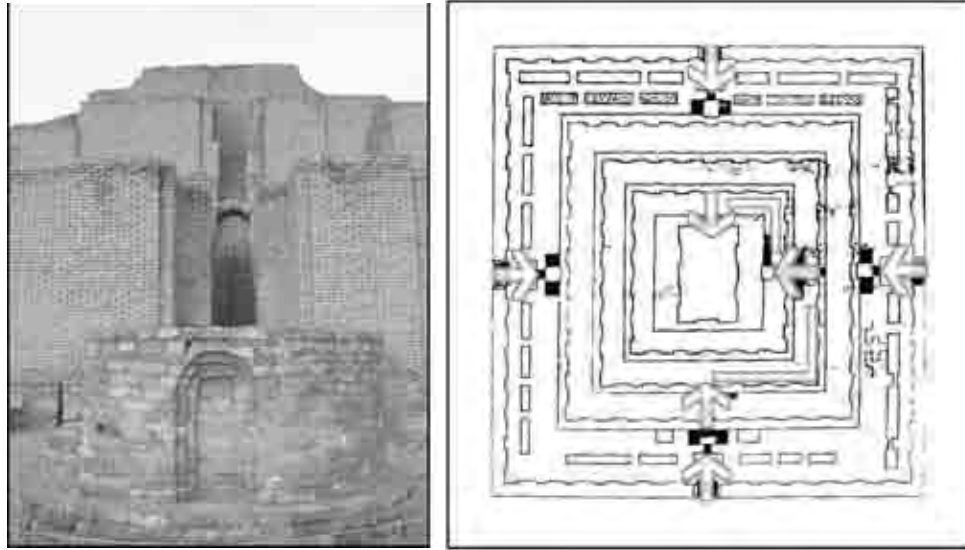
الگوهای معماری این تمدن است. به این ترتیب با بررسی الگوی معماری و شهرسازی تمدن‌های نخستین در پهنه بین‌النهرین، شاخص‌ترین بنای قابل مقایسه با میل ایرانی و منار قرون اولیه اسلامی، زیگورات است که دارای ویژگی‌های مشترک انکارناپذیری با میل و منار می‌باشد. برخی از این اشتراکات عبارتند از عملکرد مذهبی و آیینی، ارتفاع بسیار بیشتر نسبت به بناهای متعارف، عظمت، عملکرد نشانه‌ای و... به عبارتی این فرض قابل دستیابی است که "منار امروزی بناهای اسلامی ریشه در زیگورات بین‌النهرین داشته و تحول یافته آن می‌باشد". با در نظر گرفتن این فرض می‌توان فرایند تطور زیگورات به منار را در خلال تکامل اندیشه دینی انسان، به ترتیب ارائه شده در بخش‌های آتی، پی گرفت.

۱- قدیمی‌ترین نشانه‌ها از حیات فرامادی و متافیزیکی انسان را می‌توان نقاشی بر دیوار غارها با هدف تسخیر روح حیوانات شکاری و... در عصر دیرینه سنگی دانست که به نوعی نخستین مرحله رویکرد نمادین و نشانه‌ای در تاریخ بشریت به شمار می‌رود. تصاویر موجود در غار لاسکو فرانسه و غار فون دوگوم از این گونه‌اند. "از روی مدارک به دست آمده از غارهای عصر دیرینه سنگی چنین بر می‌آید که انسان همواره می‌کوشیده است تا با توسل به جادوی تصویر بر محیط و طبیعت پیرامون خویش مسلط شود." (گاردنر، ۱۳۸۴، ۴۹)

۲- همزمان با ظهور سومریان و آغاز تاریخ مدون، پرستش خدایان در قالب رب‌النوع‌های متعدد ظاهر می‌شود. به عبارتی فطرت خداجوی انسان، در سپیده‌دم حیات مدنی و فکری خود، مظاهری از طبیعت و محیط را به عنوان تجلیات وجود ماورائی خدا در نظر گرفته و به پرستش آنان می‌پردازد. به این ترتیب در دوران کهن، خدایان مورد پرستش، خدایان متعدد و دارای ریشه طبیعی بودند^۱ "آنو، خدای آسمان؛ انلیل (بل)، خدای توفان و خالق زمین؛ ائا (انکی)، خدای آبها؛ نانار (سین) خدای ماه، اوتو (شمش)، خدای آفتاب؛ اینانا الهه عشق و باروری و...". (گاردنر، ۱۳۸۴، ۴۹). در این فرایند اعتقاد به خدایان در شهر و معماری نیز وارد شد



تصویر ۱- تصویر هوایی شهر اور در عراق به همراه طرح بازسازی شده و وضعیت فعلی زیگورات آن. ماخذ: (طرح از گاردنر، ۱۳۸۴)



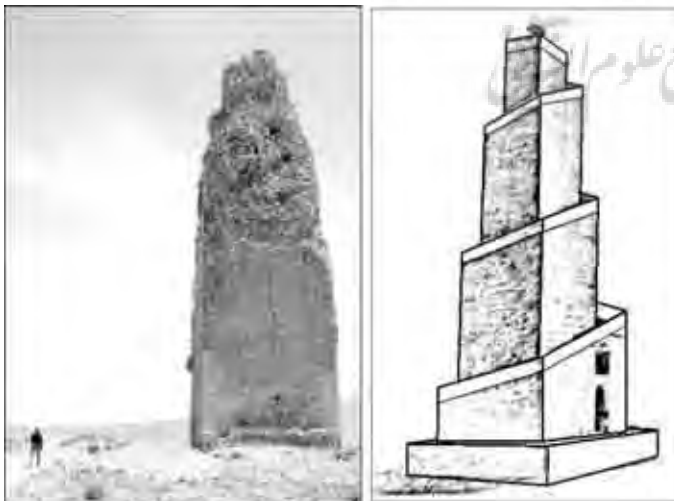
تصویر ۲- مسیر حرکت در زیگورات چغان زنبیل و تصویر پلکان جنوبی آن.
ماخذ: (عکس از نگارنده، نقشه از زارعی، ۱۳۸۳)

تمدن مصر می‌گردد و به عبارتی نشانه زمینی خداوند نمادی مجردتر و غیرکالبدی‌تر می‌یابد.^۵

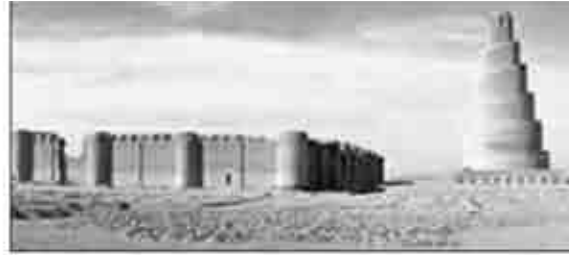
با این همه این نماد با بنای نمادین تمدن بین‌النهرین ترکیب شده و در قالب آتش‌گاهی همواره روشن در بالای برج مرتفع مرکز شهر قرار می‌گیرد که از یک سو مقامی متعالی برای ایزد ایجاد می‌نماید و از سوی دیگر نمادی مذهبی- عملکردی برای شهری است که تحت حمایت اهورامزدا و نماینده او، که همانا پادشاه ایرانی است قرار دارد. به این ترتیب منار شهر ایرانی ایجاد می‌گردد که نمونه شاخص و مناسبی از آن را در مرکز شهر گور در نزدیکی فیروزآباد فارس می‌توان مشاهده نمود. این بنا با نسبت ارتفاعی حدود ۴ به ۱ (ارتفاع به ضلع قاعده) و فرم مارپیچی راه‌پله دسترسی به مجمر، نمونه‌ای بسیار توسعه یافته از برج بابل است که در دوره اشکانی و ساسانی در مرکز شهر دایره‌ای شکل احداث شده است.

از دیگر نمونه‌های این رویکرد و پرهیز از حرکت مستقیم در دسترسی به مقصوره زیگورات را می‌توان در زیگورات ارگ ناتمام ساراگون از دوره آشور و زیگورات یا اصطلاحاً "برج بابل" از بابل نوین مشاهده نمود. در این زیگورات‌ها، مسیر دسترسی به مقصوره، پلکانی است که به صورت مارپیچ بر بدنه بیرونی زیگورات پیچیده و تا بالاترین سطح آن ادامه می‌یابد. هرودوت سیاح یونانی درباره وضعیت این معبد در سده پنجم پیش از میلاد چنین می‌نویسد: "... در وسط صحن، برجی از سنگ و روی آن برج دومی و روی آن برج سومی و الی آخر تا برج هشتم ساخته شده بود و راه صعود به قله این برج در بیرون از صحن واقع شده و آن پلکانی است که دورتادور همه برج‌ها می‌پیچد. [...] در بالاترین برج یک معبد وجود دارد و در داخل معبد تخت خوابی بس بزرگ با زیورهای گران و میزی از زر در کنارش دیده می‌شود...." (گاردنر، ۱۳۸۴، ۶۳) به این ترتیب دو نکته شاخص در این مرحله از ساخت زیگورات مشاهده می‌شود که عبارتند از ۱- افزایش تعداد طبقات زیگورات و به تبع آن افزایش نسبت ارتفاع به قاعده و ۲- ایجاد فرم مارپیچی و اسپایرال در حجم زیگورات.

۴- در ایران باستان، با ورود آیین ودایی و اساطیر هندی از یک سو و توسعه دین زرتشت از دیگر سو، مفهوم خدایان متعدد با مظاهر طبیعی، جای خود را به دو وجود خدایی مجرد و آسمانی خیر و شر با نام اهورامزدا و اهریمن داد که به همراه امشاسپندان و ایزدان (یاوران خدای نیکی) و دیوان و یهوه‌ها (یاوران خدای بدی) و همچنین فروهر نیکان، ساحت متافیزیکی جهان فکری آن دوره را تشکیل می‌داند.^۴ به این ترتیب آتش به عنوان یکی از نشانه‌های شاخص وجود خداوند (نماد گیتی یا زمینی امشاسپند اردیبهشت و ایزد آذر)، جایگزین نمادهای مادی خدا همچون مقصوره تمدن بین‌النهرین و یا بت‌های هرمی شکل



تصویر ۳- تصویر بازسازی شده میل شهر فیروزآباد و وضعیت موجود آن.
ماخذ: (عکس از نگارنده، طرح بازسازی از کیانی، ۱۳۸۳)



تصویر ۴- پلان مسجد المتوکل در سامرا و منار آن. ماخذ: (www.iraq2all.com)



تصویر ۵- منظر هوایی و تصویر منار مسجد ابن طولون در مصر. ماخذ: (archnet.org)

در این شبه جزیره، الگویی ارگانیک و غیرنمادین بود و صرفاً شامل فضایی وسیع برای استفاده عموم پیروان دین بود. اما انتقال مرکز خلافت در دوره اموی به دمشق و صدور اسلام به سرزمین‌های دیگر همچون ایران، شام، مصر و آندلس و ترکیب آن با اندوخته‌های هنری و معماری و همچنین آیین‌ها و اعتقادات دینی این سرزمین‌ها، ترکیباتی بدیع و بسیار با ارزش ایجاد نمود. یکی از نمودهای این ترکیب را می‌توان در مسجد سامرا مشاهده نمود. در این مسجد که یکی از مساجد قرن سوم هجری به شمار می‌آید، مناری مارپیچی با پلان مدور در کنار صحن مسجد مشاهده می‌شود که به شکلی انکارناپذیر به منار شهر فیروزآباد شبیه است. نمونه‌ی دیگر

نکته قابل توجه در این زمینه، تداوم مفهوم مذکور در نام این بنا در دوره‌های بعد است. در حقیقت کلمه منار بر وزن مَفْعَل از باب "نور" یا "نار" (به معنای آتش در زبان عربی) اسم مکان و به معنای محل آتش (و یا محل نور) است که به احتمال بسیار زیاد از شهرهای ایرانی به زبان عربی وارد شده و سپس مجدداً در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که پروفیسور هیلن براند با اشاره به این ریشه لغوی، منبع الهام "محل آتش" را نه از منار ایرانی که از فانوس اسکندریه می‌داند که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۵- با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، الگوی معماری بناهای دینی، با تبعیت از الگوی عام ساختمان‌سازی

سامرا و مسجد ابن طولون در قاهره مصر اشاره نمود که توسط خلفای عباسی و یا امرای آنها در شهرهای فتح شده و یا پایتخت‌های نوین یاد اسلامی ساخته شده‌اند و منار به عنوان نشانه‌ای کالبدی از قدرت اسلام و به ویژه حکومت اسلامی در کنار مسجد ساخته می‌شود.

از گروه دوم نیز نمونه‌های متعددی وجود دارد که از میان آنها می‌توان به منارهای مساجد فهرج یزد، تاریخانه دامغان، جامع نیریز و جامع ساوه اشاره نمود که در قرون اول تا پنجم هجری ساخته شده‌اند و به عنوان نخستین نمونه‌های مساجد ایرانی شناخته می‌شوند. لازم به ذکر است که در بنای اولیه‌ی نخستین نمونه‌های مساجد ایرانی مانند فهرج یزد و تاریخانه دامغان، منار وجود نداشته است و منار این مساجد در دوره‌های بعد (عمدتاً در دوره سلجوقی) به آنها افزوده شده است.



تصویر ۶- منار تاریخانه دامغان.
ماخذ: (ایرانیان)

در این دوره منار به صورت تک عنصری عمودی و بدون تزیین و یا با تزیینات محدود آجرکاری در جداره، در خارج از محوطه مسجد استقرار یافته و عمدتاً دارای عملکرد نشانه‌ای و مأذنه بوده است. اما از دوره سلجوقی با تأثیرپذیری از معماری هندسه‌گرای ایرانی و با رویکرد جدید حاکمان این دوره، منار به عنصری درونی در مسجد بدل می‌گردد و حتی در مساجد کهن موجود از ادوار قبل نیز منار ساخته می‌شود.

توجه به عنصر منار و تطور نحوه استفاده از آن در معماری بناهای دینی، دارای فرایندی تدریجی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است. فرایند عمومی و مهم‌ترین عوامل موثر در تغییر فرم و عملکرد منار در دوره سلجوقی و پس از آن را می‌توان به شرح زیر ذکر نمود:

- تمایل به ساخت بناهای عظیم و باشکوه با عملکرد و رنگ و بوی اسلامی، حاکمان سلجوقی را به سمت استفاده از منار به عنوان عنصر نشانه‌ای مرتفعی در درون مساجد سوق داد و به این ترتیب منار از حاشیه مساجد و بناهای مذهبی به متن آنها وارد شد.
- آشنایی حاکمان و معماران با معماری با شکوه و هندسه‌گرای پیش از اسلام در ایران، تمایل به هندسه‌گرایی را مجدداً در میان متولیان امر معماری رواج داد و الگوی نیمه ارگانیک قرون اولیه، جای خود را به الگوی کاملاً هندسی داد.
- در الگوی هندسه‌گرای مذکور که بر تقارن محوری مبتنی بود، و در عین

استفاده از منارهای مارپیچ در قرون نخستین اسلامی مسجد ابن طولون در مصر است که توسط یکی از فرماندهان خلیفه متوکل در قرن سوم هجری ساخته شده و ویژگی‌هایی مشابه مسجد سامرا را در خود دارد.^۶

در حقیقت در این دوره مفهوم نمادین آتش به گونه‌ای مجردتر و فرامادی‌تر، به صورت نور متجلی می‌گردد که در قرآن نیز صراحتاً مورد تأکید و تقدیس قرار گرفته است.^۷ به این ترتیب کلام خدا به عنوان مصادیقی از نور هدایت از فرامناهای مساجد ظنین افکن شده و منار به مأذنه و تجلی‌گاه حقیقی کلام و وجود خداوند بدل می‌گردد. همچنین عملکرد نشانه‌ای منار که در شهر ایرانی نمادی از دینداری و اعتقاد به اهورامزدا و ایزدان و امشاسپندان به شمار می‌رفت نیز، در شهر اسلامی تداوم یافته و به نشانه شهر و فضای مذهبی و دینی بدل گشت.^۸

۶- در دوره‌های بعد، با بهره‌گیری از پیشرفت فن ساختمان و همچنین با تجرد بیشتر مفهوم الوهیت نزد انسان، دو اقدام در جهت افزایش حرمت و قداست منار صورت پذیرفت: اولاً راه‌پله مارپیچ بیرونی به درون منار منتقل شده و به تعبیری منار در ظاهر بیرونی به فضایی کاملاً غیرقابل دسترسی بدل می‌گردد و ثانیاً نسبت ارتفاع به سطح قاعده بیش از پیش افزایش یافته و منار به بنایی سرکشیده به اوج آسمان‌ها بدل می‌گردد که در منتهای خود به انفجاری نورانی و فرمی ختم می‌شود که به زیبایی "گل‌دسته" خوانده شده است.^۹ همچنین در ادامه و با بهره‌گیری از ذهن انتظام‌بخش معماران ایرانی، منار بیش از پیش مفهومی نمادین و در عین حال عملکردی یافت که در بخش‌های بعدی مشخصاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که دو ویژگی "عظمت" و "دور از دسترس بودن" مفهوم الوهیت نزد انسان، که ابتدا در قالب زیگورات و سپس در فرم منار تجلی یافته است، در طول تاریخ و به فراخور رشد و بالندگی تفکر در باب معبود و اله ترقی یافته و به گونه کنونی آن رسیده است.

۳- تحول فرم و عملکرد منار در دوره اسلامی

با بررسی اسناد و پژوهش‌های به عمل آمده در باب منار و تاریخچه آن، مشاهده می‌شود که منارهای نخستین عمدتاً در مناطق دارای پیشینه تمدنی غیراسلامی بروز یافته‌اند و به عبارت دیگر مساجد اولیه ساخته شده در عربستان و حجاز فاقد منار بوده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت که عنصر منار در مساجد اولیه عنصری پایه محسوب نمی‌شده است. به عبارت دیگر منارهای این دوره را بر مبنای هدف احداث می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ۱- منار به عنوان نمادی از شکوه سازنده آن و ۲- نشانه‌ای عملکردی جهت معرفی آبادی یا شهر اسلامی.

به این ترتیب از دسته نخست می‌توان به مسجد المتوکل در

بارهای قائم و جانبی بناهای مرتفع را داشته باشد. به این ترتیب با درایت و هوشمندی معمار ایرانی، بار دیگر ترکیبی بدیع از هنر و فن بروز نمود و منارها در عین ایفای نقش نشانه‌ای مرتفع، به عنوان عناصر سازه‌ای مهارکننده رانش جانبی طاق‌های عظیم (به همراه دیوارهای پشت‌بند) در دو سوی طاق قرار گرفتند.^{۱۲}

حال بر تقدس فضای خالی نیز تاکید داشت، تک منار قابل استفاده نبوده^{۱۱} و به همین دلیل مناره‌ها به صورت دوتایی و چندتایی در بخش‌های مختلف بناها مورد استفاده قرار گرفتند. - عظمت‌گرایی حاکمان و تمایل به ساخت بناهای مرتفع و باشکوه، ناگزیر گونه‌ای نو از فن ساختمان را طلب می‌نمود که توان تحمل



تصویر ۸- رباط و منار سنگ بست.
ماخذ: (ایرانیا)



تصویر ۷- منار مسجد جامع زواره و منار مسجد جامع ساوه.
ماخذ: (ایرانیا)



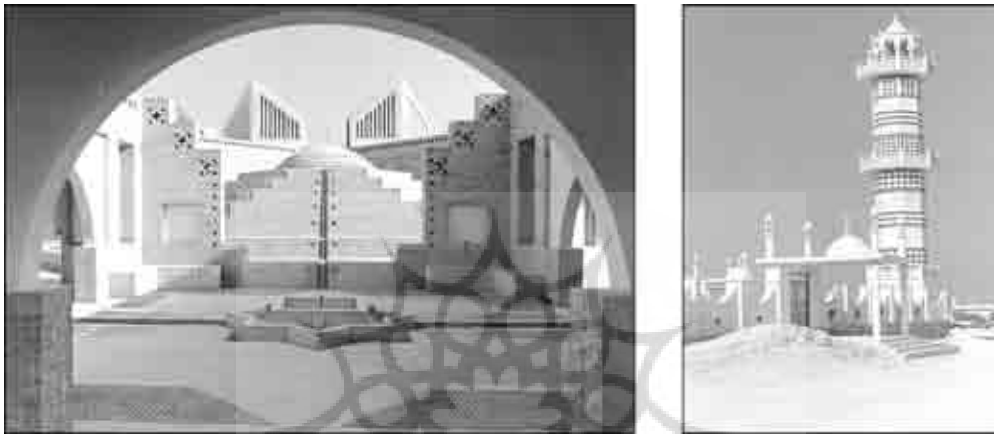
تصویر ۹- منار مسجد جامع سمنان.
ماخذ: (ایرانیا)



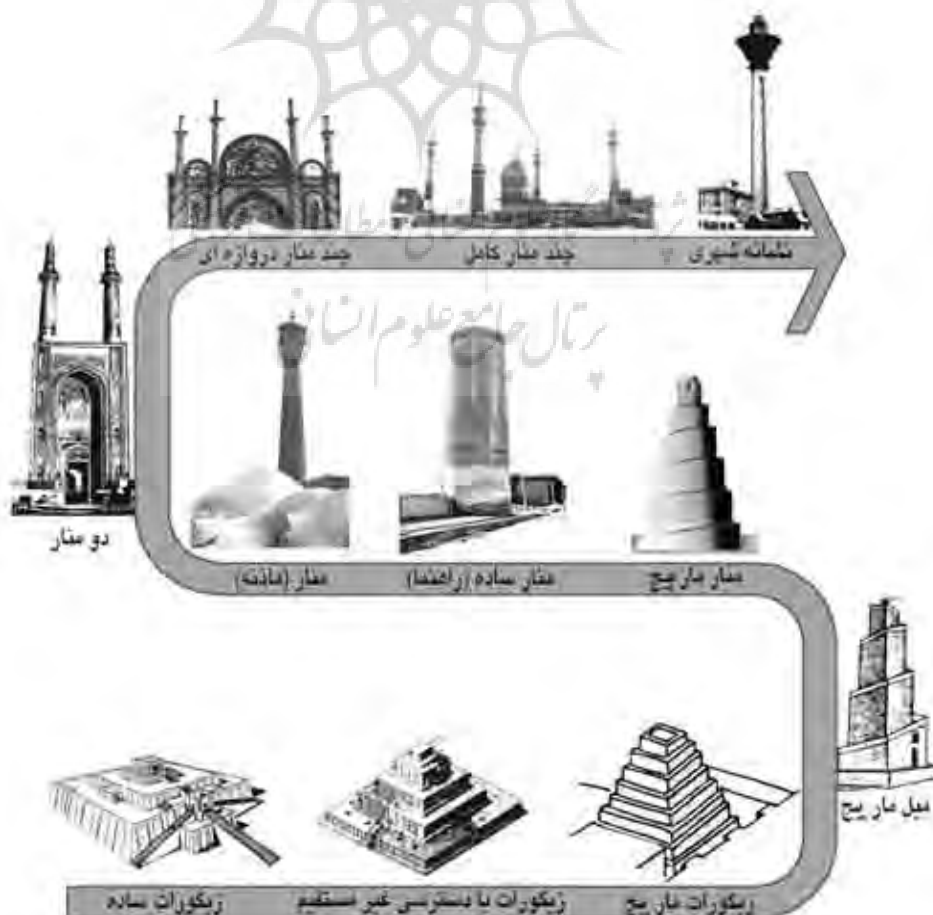
تصویر ۱۰- تصاویری از مسجد جامع یزد، مسجد امام اصفهان و میدان امیرچخماق یزد.
ماخذ: (ایرانیا)



تصویر ۱۱- حرم مطهر حضرت معصومه (س) و مرقد مطهر امام خمینی (ره).
ماخذ: (ایرانیا)



تصویر ۱۲- دو نمونه معاصر از الگوی منار: مسجد جامع کیش و مرکز فرهنگی دزفول.
ماخذ: (اب انشا)



تصویر ۱۳- سیر تحول منار (از زیگورات تا نشانه شهری)
ماخذ: نگارنده

بود که به زیبایی تاج یا "گلدسته" خوانده می‌شود. به این ترتیب استفاده از منارها به صورت دوتایی و چندتایی^{۱۲} با الگویی متقارن در دو سوی درگاه‌های ورودی و ایوان‌ها، در کنار گنبدها، و در گوشه بناها، به صورت عنصری تیبیک از معماری ایرانی-اسلامی در آمده و با تحول شکل و فرم، از الگوهای ساختمان و تزیین هر دوره نیز بهره‌مند شده است. امروزه نیز الگوی منار به عنوان نشانه شهری و همچنین به عنوان عنصری تیبیک که در حافظه جمعی و سواد بصری ایرانیان و مسلمانان جای گرفته است، به گونه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این میان علاوه بر نمونه‌های استفاده از منار در بناهای مذهبی و فرهنگی، شاخص‌ترین نمونه‌ی استفاده از این الگو را می‌توان برج مخابراتی میلاد دانست که به عنوان "نمادی نو برای شهر تهران" طراحی شده و در دست اجراست. به این ترتیب فرایند تحول و تطور منار به صورت خلاصه در دیاگرامی ارائه شده است.

- استفاده از جفت منارها در طرفین تاق‌های ورودی، علاوه بر عملکرد سازه‌ای و کمک به تقارن نما، هدایت‌کننده چشم و ذهن به سوی فضای خالی و خیال‌انگیز آسمان و تجلی بخش ملکوتی بودن مفهوم الوهیت در اسلام است که شکوهی دو چندان به بنای مذهبی می‌بخشد.

- پس از دوره سلجوقی و با پیشرفت فن ساختمان و همچنین دستیابی به الگوهای زیبا و بدیع تزیین، جداره بیرونی منارهای چه در کلیت و چه در جزئیات، از تزیینات و طرح‌هایی خیال‌انگیز و متناسب مزین شد.

- در بالاترین نقطه منار، بخشی ویژه در نظر گرفته شد که محل استقرار مؤذن بود و با بیرون آمدگی اندکی از ساقه منار، نقطه ختمی در مسیر صعودی حرکت چشم به شمار می‌آمد. این فضا که معمولاً به وسیله چراغی نیز روشن نگاه داشته می‌شد، تحول یافته محل آتش در پیش از اسلام و محل نور در دوره اسلامی

نتیجه

این مسیر از زیگورات ساده‌ی سومر آغاز می‌شود، و در ادامه به صورت زیگورات‌های پیش‌رفته‌تر ایلام و بابل، منار شهر ایرانی و منار مساجد اولیه اسلامی بروز می‌نماید و در دوره‌های بعد، به مدد خلاقیت و زیبای‌آفرینی معماران، منار به یکی از عناصر نمادین عملکردهای مذهبی بدل گردیده است. این عنصر امروزه نیز ارتباطی پویا با مفاهیم و اندیشه‌های جاری در جامعه و همچنین تکنولوژی نوین ساختمان‌سازی برقرار نموده است و نقشی جدی را در الگوی معماری ایرانی-اسلامی ایفا می‌نماید.

بررسی سیر تاریخی تحول عناصر معماری، به ویژه در بناهای مذهبی نشان می‌دهد که منار به عنوان عنصری نمادین و مرتفع، یکی از کهن‌ترین عناصر ساختمانی است که همواره بخشی از بار نمادین تجسد مفهوم مینوی و ماورایی الوهیت را بر دوش داشته است. این عنصر، همگام با تحول درک و دریافت انسان از مفهوم الوهیت و همچنین با بهره‌گیری از غنای فرهنگ بومی، در هر سرزمین به گونه‌ای تحول یافته و به سوی کمال شکلی و عملکردی سیر نموده است.

پی‌نوشت‌ها:

- البته لازم به ذکر است که این رویکرد تمدن‌های کهن به خدایان طبیعی، در فرایند فروکاستن مفهوم استعلایی الوهیت به مفاهیم مادی و رب‌النوع‌های طبیعی جهت درک آسان‌تر برای انسان در سپیده‌دم حیاتش به وجود آمده است و در حقیقت پاسخی به نیاز ذاتی خداجویی در انسان می‌باشند. نمونه‌های دیگری از این رویکرد را می‌توان در ایران به صورت ۶ (یا ۷) امشاسپند که هر یک جلوه‌ای از وجود اهورامزدا هستند و در یونان به صورت رب‌النوع‌های مختلف که دستیاران زئوس هستند مشاهده نمود. این مفهوم در حکمت اسلامی تحت عنوان اسماء الله مورد بحث قرار می‌گیرد.
- تداوم این اعتقاد در خداپرستی یونانی نیز مشاهده می‌شود که خدای زئوس را بر فراز کوه المپ، آپولون را در دلفی و پوسیدون را دریا ساکن می‌داند.
- مقصوره یا قدس الاقداس (Holy of Holies) یا به لاتین Sanctum Sanctorum) فضایی در کلیساها و دیگر حرم‌های قدسی است که جز روحانی اعظم، دیگران حق ورود به آن را ندارند و چنین فضایی که تصور بر آن بوده مکان حضور دائمی خدایی است که معبد متعلق به او است و یا نیروی الهی او همواره در آن فیضان دارد در بسیاری معابد وجود داشته است. در اهرام مصر نیز از اتاقی که جسد فرعون در آن بوده به چنین عنوانی تعبیر می‌شود.
- با بررسی اساطیر کهن ایرانی و اندیشه‌های دین زرتشت مشاهده می‌شود که اولاً اکثر امشاسپندان، ایزدان، دیوها و یهوها دارای نمادهای طبیعی بوده و هر یک بخشی از جهان هستی را مدیریت می‌نمایند و ثانیاً برخی از این رب‌النوع‌ها دارای نمادهای کالبدی و فیزیکی همچون حیوانات و یا ماه و خورشید هستند. به عبارت دیگر موضوع استفاده از نمادهای زمینی برای خدا در اندیشه‌های کهن ودایی و امتداد آن در اساطیر ایرانی نیز قابل مشاهده است. برای اطلاعات بیشتر ن.ک. آموزگار، ۱۳۸۲.
- باید توجه داشت که آتش به عنوان امری مقدس در آیین زرتشت صرفاً نمادی از وجود فرامادی امشاسپند اردیبهشت و ایزد آذر است که هر دو نیز

جنبه‌هایی از وجود اهورامزدا می‌باشند و برخلاف برداشت غلطی که در میان گروهی از مردم وجود دارد، توجه ویژه به آتش به معنای پرستش آن در آیین زرتشت نمی‌باشد.

۶ برای اطلاعات بیشتر ن. ک. . . www.islamic-art.net/blog/archives/2005_06.php

۷ "والله نور السماوات والارض" قرآن کریم، سوره نور، آیه ۳۵.

۸ لازم به ذکر است همانگونه که پیشتر نیز ذکر شد برخی از صاحب‌نظران همچون استاد مرحوم محمد کریم پیرنیا، عملکرد اصلی منارها را نشانه و راهنمای مسافران در جاده‌های کویری و یا جنگلی دانسته‌اند. اما باید توجه نمود که این عملکرد در درون شهرها بیشتر جنبه مذهبی و دینی یافته و مفهوم نشانه‌ای فوق‌الذکر نیز رنگ و بویی دینی و آیینی به خود گرفته است. به عبارت دیگر اگر در خارج از شهرها، میل نشانه‌ای برای راهیابی به شهر و آبادی و یا یافتن ادامه راه مسافران به حساب می‌آمد، در درون شهر، منار نشانه‌ای برای یافتن مرکز مذهبی شهر بوده که در کنار ارگ و بازار، مرکز اجتماعی و فعالیتی را تشکیل می‌داده است.

۹ در کنار فرایند تطور زیگورات به منار، می‌توان گنبد را نیز گونه‌ی دیگری از تغییر شکل، عملکرد و محتوای زیگورات از یک بنای مذهبی جسیم و توپر به بنایی تهی و فضا دار به حساب آورد که به عنوان محل حضور و عروج انسان، نماینده خدا بر زمین، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۰ باید توجه نمود که یکی از مفاهیم کهن معماری پیش از اسلام که در دوره اسلامی نیز اعتلا یافت، توجه ویژه به فضا و مفهوم قدسی آن است. در حقیقت با عبور از دوره ایلامی، در کلیه بناهای دوره‌های بعدی، کالبد و حجم ساختمانی، عملکردی پوسته‌ای یافته و قلب و مرکز بنا همواره فضایی خالی است که محل حضور انسان، آتش، آب و سایر مفاهیم متعالی می‌باشد. به همین جهت در هیچ یک از اجزای معماری چه در نما و چه در پلان، مرکز و محور تقارن (که مهم‌ترین بخش بنا را شامل می‌شود) توسط عناصر کالبدی اشغال نشده است. برخی نمونه‌هایی این امر عبارتند از: زوج بودن تعداد ستون‌ها در نمای بناهای دوره هخامنشی، استقرار دروازه ورودی در مرکز نماهای متقارن، وجود سه فضای همجوار در بناهای دوره ساسانی همچون آتشکده فیروزآباد، قرارگیری آتشکده بر محور تقارن بناهایی چون تخت سلیمان و کاخ آشور، استقرار درگاه‌ها در چهارطاقی‌های ساسانی در هر چهار جهت و ... لازم به ذکر است که این مفهوم همچنین در معماری یونان در قالب زوج بودن تعداد ستون‌های معابد (دو ستونی، چهار ستونی و ...) و در دوره اسلامی به اشکال متعدد از جمله فرد بودن تعداد درب و پنجره‌های بنا (سه دری و پنج دری) نمود یافته است. به این ترتیب از آنجا که استفاده از تک منار در فرم هندسی و متقارن، تنها در صورتی امکان پذیر است که منار در مرکز و محور تقارن قرارگیرد و این امر با مفهوم قدسی فضای خالی منافات دارد، به این ترتیب الگوی تک منار در فرایند هندسی شدن به صورت الگوی دو منار در آمده است.

۱۱ در تحلیل سازه‌های طاق، مشاهده می‌شود که عملکرد سازه‌ای طاق، انتقال بار سقف به ستون‌ها و جرزه‌هاست که در این فرایند تبدیل بار قائم وزن بنا به بارهای جانبی نیز رخ می‌دهد. بدیهی است که این بار جانبی، در تاق‌های عظیم می‌تواند موجب رانش پایه‌ها و از بین رفتن تاق گردد. به همین جهت در طول تاریخ معماری، روش‌های مختلفی برای رفع این نقیصه مورد استفاده قرار گرفته است که برخی از آنها عبارتند از: استفاده از تاق‌های متعدد در کنار یکدیگر (در معماری اشکانی)، استفاده از جرزه‌های حجیم و تاق‌های جانبی در کنار تاق (در دوره ساسانی)، استفاده از ستون‌های عظیم و یا مکرر (در معماری رومی)، استفاده از دیوار پشت‌بند (در معماری کونیک). یکی از تمهیدات خلاقانه در این زمینه نیز استفاده از منار بر روی پایه‌های تاق است که در معماری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

۱۲ در زمینه استفاده از الگوی چند منار (۴ منار و ۸ منار در گوشه‌ها و ...) نمونه‌های متعددی در ایران و سایر کشورهای اسلامی از جمله ترکیه وجود دارد که می‌تواند موضوع پژوهشی مجزا باشد. در این جستار حرم مطهر حضرت معصومه (س) و مرقد مطهر امام خمینی (ره) به عنوان نمونه‌های الگوی چند منار ارائه شده است.

فهرست منابع:

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۳)، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
- براون، دن (۱۳۸۵)، راز داوینچی، ترجمه شهرابی، حسین و گنجی، سمیه، انتشارات زهره، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ هشتم، تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۳)، آشنایی با معماری جهان، انتشارات فن‌آوران، چاپ چهارم، همدان.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۳)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۴)، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات نگاه و آگاه، چاپ ششم، تهران.
- مالووان، م. ل. (۱۳۷۶)، بین‌النهرین و ایران، ترجمه رضا مستوفی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
- مجموعه چند رسانه‌ای "ایرانی".
- مورتگات، آنتون (۱۳۸۵)، هنر بین‌النهرین باستان، هنر کلاسیک خاور نزدیک، مترجم انگلیسی جودیت فیلسون، ترجمه زهرا باستی، محمد رحیم صراف، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
- موریس، جیمز (۱۳۷۴)، تاریخ شکل شهر، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، تهران.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۶)، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.

archnet.org/library/images/thumbnails.tcl

www.irantour.org/Iran/city/Firuzabad.html

www.iraq2all.com/general/picture/Index1.htm

www.islamic-art.net/blog/archives/2005_06.php

www.livius.org/a/iran/firuzabad/firuzabad1.html